

اسرائیل و بحران آب (۲): تحلیل استراتژی

مقدمه

در بخش نخست این نوشتار به تبیین و توصیف وضعیت روابط اعراب - اسرائیل با در نظر گرفتن عامل «آب» در منطقه پرداختیم و ضمن بیان حساسیتهای بالای موضوع «تامین آب مورد نیاز» برای کلیه کشورها، از آب به عنوان «مسئله مورد مناقشه» بین اعراب و اسرائیل در دهه آینده، یاد نمودیم. در این قسمت و در ادامه مطالب پیشین، به بررسی استراتژی اسرائیل برای تامین آب مورد نیازش، خواهیم پرداخت. نظر به اهمیت «آب» برای جامعه اسرائیل، زمامداران رژیم صهیونیستی استراتژی پیچیده و مرکبی را به اجرا گذارده اند که در ادامه، ابعاد گوناگون آن معرفی خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف - آب، به مثابه یک کالای استراتژیک

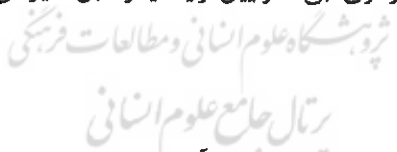
کلیه ملاحظات مذکور در بخش اول این نوشتار، دلالت بر این داشت که «آب»، نه تنها یک ماده حیاتی، بلکه کالایی استراتژیک برای رژیم صهیونیستی و کلیه دول عربی حاضر در منطقه به شمار می آید. این موضوع که آب، محور منازعات آتی در منطقه را شکل می دهد، مطلبی است که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده، تا آنجا که آن را کلید تحصیل

* عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)
مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد سوم، ۱۳۷۹، صص ۱۱۶ - ۹۹.

صلح در خاورمیانه خوانده^۱ و معتقدند که اگر به شکل بنیادین برای آن برنامه ریزی نشود، بدون تردید شعله های جنگ و تباهی را بر خواهد افروخت.^۲ در ارتباط با بحث حاضر، باید پذیرفت که اسرائیل نسبت به موضوع آب، نگرشی استراتژیک داشته است و تحولات تاریخی و سیاستهای کلان رژیم، از دور اندیشی سیاستگذاران صهیونیستی حکایت می کند. این که «شیمون پرز» برای رفع مشکل کم آبی اسرائیل، به اصل «ایجاد تحولات ریشه ای در سیاستهای اعمال شده بین کشورهای منطقه» اشاره نموده و مدعی انجام چنین رسالتی از سوی اسرائیل می گردد، خود حکایت از تلقی استراتژیک آب نزد دولتمردان اسرائیل دارد^۳ که تفصیل آن در بخش نخست این نوشتار آمد. حال، با مفروض پنداشتن نکته فوق، به تحلیل وجوه متعدد و مختلف این استراتژی می پردازیم. گفتنی است که درک هر چه بهتر این استراتژی از آن حیث که زمینه آگاهی کلیه دولتهای منطقه و ضرورت تدوین استراتژی در این زمینه را فراهم و آشکار می کند، مهم بوده و می طلبد تا هر چه بیشتر مورد کنکاش قرار گیرد.

ب- ارکان استراتژی کلان اسرائیل در موضوع آب

استراتژی اسرائیل در زمینه آب، مبتنی بر سه رکن اساسی است که کلاً در خدمت مطامع و آرمانهای عالی گردانندگان رژیم صهیونیستی قرار دارد. سه رکن نظامی، دیپلماتیک و حمایتی در درون استراتژی آبی اسرائیل از یکدیگر قابل تمیز می باشند.



۱- رکن نظامی

اسرائیل به منظور تحصیل منافع آبی هر چه بیشتر یهودیان هم از چهره عریان زور (جنگ) و هم از بُعد پنهان (تهدید) بهره برده است، به تعبیری، عنصر زور به دو شکل در درون استراتژی آبی اسرائیل، ایفای نقش می کند:

۱-۱- جنگ و تجاوز

تکوین اولیه دولت اسرائیل بر پایه جنگ و تجاوز بوده، بنابراین، این عامل در استمرار آن

نیز نقش موثری دارد؛ به گونه ای که صهیونیستها بیشتر به حل مشکلات خود از این طریق تمایل دارند. این واقعیت که اسرائیل، دارای یک «ملت مسلح» است^۴ مدعای فوق را تایید می کند و نشان می دهد که تمایل این رژیم برای حل معضل آب با تمسک به نیروی نظامی بسیار زیاد است. نزاع و درگیریهای اسرائیل با سوریه در پروژه موسوم به INWC (پروژه ملی انتقال آب اسرائیل)،^۵ حوادث ۱۱ ژوئن ۱۹۶۴ و سرانجام، جنگهای شش روزه (۱۹۶۷)، از جمله مواردی هستند که تماماً از تلاش نظامی اسرائیل در موضوع آب حکایت می کند.^۶ به همین دلیل، برخی از پژوهشگران از حضور نظامی اسرائیل در حوزه رود نیل، اردن و لیتانی سخن گفته، اعراب را نسبت به خطر بالقوه ای که آنها را تهدید می نماید، هشدار داده اند.^۷

از جمله مصادیق دیگر استراتژی فوق می توان به برنامه های تجاوز گرایانه اسرائیل در لبنان اشاره کرد. لبنان بر خلاف فلسطین، سرزمینی غنی از حیث دارا بودن منابع آبی به شمار می آید، بنابراین مشاهده می شود که سیاستهای تجاوز کارانه اسرائیل در لبنان، همیشه دو مولفه زمین و آب را - با هم - مد نظر داشته است. مثلاً در یادداشت ارسالی به کنفرانس صلح در ورسای (۱۹۱۹)، این مطلب را می توان دید، آنجا که سران یهودی از شرکت کنندگان در کنفرانس می خواهند تا مرزهای پیشنهادی یهودیان را در جنوب لبنان به رسمیت بشناسند:

«مرزهای فلسطین باید از خطوط کلی که در زیر به آن اشاره شده تبعیت کند: مرزهای شمالی از نقطه واقع در ساحل دریای مدیترانه در جوار صیدا شروع و شامل آبراههای کوههای لبنان تا پل قرعون می باشد...»^۸

البته، بنیان صهیونیسم سیاسی صرفاً به ایراد چنین تقاضاهایی بسنده ننموده، طبق شهادت تاریخ، برای تحقق اهدافشان عملاً به تجاوز نظامی دست زده اند. مثلاً تجاوز سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ به لبنان از آن حیث که اسرائیل را به آبهای رودخانه لیتانی رساند و

* Israel National Water Carrier

این پروژه، آب رود اردن را به جنوب هدایت می کرد و در خدمت کشاورزی و صنعت اسرائیل قرار می داد و بدین ترتیب، منافع آبی سوریه را در مخاطره می افکند.

قسمتهایی از این رودخانه را زیر سلطه آنها در آورد، جزئی از استراتژی کلان به حساب می آید.^{۱۰} نتیجه آن که، اسرائیل برای جبران کاستیهای طبیعی خود، سعی می کند با تقویت عامل «توان نظامی»، بر همسایگان عرب خود تفوق یافته، مشکلات آبی خود را حل نماید. اگر چه اسرائیل از موقعیت جغرافیایی خوبی در زمینه منابع آب جاری، برخوردار نیست^{۱۱}، - بدین معنی که منابع آبهای روزمینی قابل توجهی در اختیار ندارد، و همچنین در قسمت منابع زیر زمینی با مشکل و کمبود روبرو است،^{۱۱} و عواملی از این دست که موجب شده تا توان اسرائیل نسبت به جهان عرب، برای دستیابی به آب کاهش یابد - رژیم صهیونیستی تلاش نموده تا این نقیصه را با توسل به زور عربان، جبران نماید که نتیجه آن، دست اندازی به اراضی کشورهای عرب همسایه بعد از تحکیم سلطه اش در فلسطین بوده است.

۱-۲- تهدید

با در نظر گرفتن محدودیتهایی که برای اعمال زور عربان در سطح روابط بین الملل وجود دارد، رژیم صهیونیستی در مواقع بسیاری سعی کرده از اهرمهای فشار و تهدید برای نیل به مقاصد خود بهره جوید. متأسفانه این استراتژی در حوزه کشورهای عربی تاثیر گذار بوده است به طوری که از سوی برخی از کشورهای عربی شاهد اعطای امتیازات ویژه ای به اسرائیل هستیم. به عنوان مثال، در ژوئیه ۱۹۸۷، سوریه و اردن، موافقتنامه احداث سد ی را برای ذخیره سازی ۲۲۵ میلیون متر مکعب آب امضا کردند و از بانک جهانی برای اجرای آن، تقاضای ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه نمودند. اگر چه اسرائیل به هنگام ثبت این پروژه در بانک جهانی، مخالفتی نکرد، لیکن اعلام رضایت خود را به دریافت سهمی برابر با ۱۰۰ میلیون متر مکعب آب کرد و علاوه بر آن، خواست به عنوان یک کشور مجاور «یرموک» سهم او به رسمیت شناخته شود؛ در غیر این صورت، تهدید نمود که تمام تلاش خود را برای عدم اعطای وام به کار خواهد گرفت و چنانچه این پروژه به هر شکلی صورت پذیرد، اقدام به بمباران و تخریب آن خواهد کرد. عدم تصویب وام مورد نظر و ایجاد مشکل در اجرای پروژه، گام موثری در راستای تامین منافع رژیم صهیونیستی به شمار می آید که ریشه در تهدیدهای اسرائیل دارد.^{۱۲}

در همین ارتباط می‌توان به حمایت اسرائیل در سال ۱۹۷۶، از سرگرد سعد حداد، افسر شورشی لبنان، اشاره کرد که یک اهرم فشار غیر رسمی برای تهدید لبنان از سوی اسرائیل به شمار می‌رفت.^{۱۳}

نتیجه آن که اسرائیل با اتکا به توان تکنولوژیک و توسل به سلاح زور (چه به صورت آشکار آن، یعنی جنگ و چه به صورت پنهان، یعنی تهدید) توانسته خود را در معادلات آبی منطقه مطرح سازد؛ به گونه‌ای که حضور خود را شرط مشروعیت هر گونه قرارداد آبی در منطقه قلمداد نموده و صراحتاً بیان داشته است که: هر قراردادی برای تعیین وضعیت آب یرموک و رود اردن، ناگزیر باید به امضای دو طرف، (یعنی اعراب و اسرائیل) برسد و در غیر این صورت، کارایی لازم را نخواهد داشت. بدین ترتیب، رژیمی که مشروعیتش از سوی کشورهای اسلامی محل تردید است، با تمسک به قوه قهریه به جایی رسیده که خود را هم عرض سایر کشورها معرفی کرده و در مشروعیت بخشی به توافقنامه‌ها خود را سهیم می‌داند.^{۱۴}

تاکید بر رکن نظامی و عنصر زور و اجبار، دلالت بر رفع نیازهای آبی اسرائیل از این محل ندارد، بلکه بر عکس، باید گفت که تجاوزها و دست‌اندازیهای به عمل آمده به هیچ وجه نتوانسته اسرائیل را در این زمینه بی‌نیاز سازد.^{۱۵} بنابراین، شاهد به کارگیری روشهای غیرنظامی به عنوان مکمل این رکن هستیم.

۲- رکن دیپلماتیک

سیاست «چماق و هویج» اسرائیل با تمسک به روشهای مسالمت‌آمیز در کنار تهاجمهای نظامی، تکمیل می‌گردد. این روشها از آن حیث که دارای اعتبار بین‌المللی هستند، می‌توانند سرپوش خوبی برای عملیات نظامی به حساب آیند؛ روشهایی که با هزینه کمتر، نتیجه‌ای مشابه می‌دهند. اسرائیل با توجه به سیاست کشورهای توسعه‌یافته مبنی بر تاکید بسیار بر دیپلماسی در حل مشکلاتشان،^{۱۶} از آن به مثابه یک رکن مستقل در استراتژی خود بهره برده است.

۱-۲- دعوت به مذاکره و سازش

اسرائیل پس از یک دوره تهاجم و سلطه بر اراضی و منابع آبی، اکنون در موقعیتی قرار دارد که بیش از جنگ، صلح و مذاکره می‌تواند در نیل به منافع آبی بیشتر، یاری‌اش نماید. نجیب‌علیمی، استاد دانشگاه لبنان، ضمن اشاره به تاریخچه فعالیتهای نظامی اسرائیل،^{۱۷} سازش طلبی این رژیم را چنین تحلیل می‌نماید:

«... اسرائیل به سازشی که هم اکنون در جریان است، به عنوان چارچوبی برای پیاده کردن طرح صهیونیستی بر مبنای اقتصادی، چشم دوخته است. زیرا به کارگیری قدرت نظامی، دیگر کارساز نبوده، به حد نهایی خود رسیده است. بنابراین، طرح تسویه مسالمت‌آمیزی که اسرائیل در پی آن است، باید اسرائیل را در دسترسی به عناصر تولیدی مورد نیاز خود (آب، نفت، نیروی کار ارزان و سرمایه‌گذاری بزرگ) [یاری] کند.^{۱۸}»

این رکن، به خاطر اهمیتی که دارد در قالبهای مختلفی تبیین و ترویج می‌شود. مثلاً می‌توان به گروهی از مؤلفان و محققان اشاره کرد که با استناد به تجارب کشورهای دیگر در ارتباط با حل منازعات آبی‌شان با مذاکره و یا با تاکید بر اصل عقلانیت سیاسی، معتقدند که گذشته از تحولات پیشین، اسرائیل و سایر کشورهای عربی باید به مذاکره و گفتگو تن داده، از جنگ و منازعه دست بردارند. «هیلل شووال»^{*} بر این باور است که عقلانیت حکم می‌کند که از مذاکره جلوگیری نشود.^{۱۹} و «پیترا راجرز»^{**} با استناد به تجربه هند و پاکستان در حل مشکلاتشان از طریق دیپلماتیک، مذاکره و سازش را برای اسرائیل و اعراب توجیه و توصیه می‌کند.^{۲۰} در مجموع، ایده حل مشکل آب از طریق مذاکره و توافق طرفین درگیر بر راه حل مبتنی بر بهره‌مندی مشترک، هم اکنون از سوی اسرائیل به شدت دنبال و ترویج می‌شود. متقابلاً، کشورهای عربی نیز به واسطه تفوق نظامی اسرائیل، کم‌وبیش به این طرح رضایت داده، به نحوی اعلام آمادگی نموده‌اند.

۲-۲- معامله و پنهان کاری

اسرائیل، گذشته از سیاستهای علنی خود، باب مذاکرات ویژه‌ای را هم گشوده که غرض

اصلی از آنها تطمیع کشورهای مقابل و در نتیجه، عقد قراردادهایی است که در نهایت، یکپارچگی و وحدت کشورهای منطقه را در مقابله با خواستهای اسرائیل مخدوش ساخته و از بین می برد. «جیمز دبلیو. مور»^{۲۱} در همین باره گفته است: «در حالی که منطقه از کمبود آب رنج می برد، مشکل دیگری نیز گریبانگیر آن شده است و آن، تعاون اندک در بین دول منطقه است که در پی نزاعهای طولانی گذشته هستند.»^{۲۱}

از این دیدگاه، معامله گری سران صهیونیستی را در سیاست خارجی شان به خوبی می توان مشاهده کرد. از جمله:

۱۰۵

۱- چرچیل به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم، پس از مذاکراتی که با یهودیان داشت، چنین می گوید:

«یهودیان رسماً از من خواسته اند که... جنوب لبنان که رودخانه لیتانی در آن جریان دارد به فلسطین ضمیمه شده و در مقابل، امکانات یهودیان در خدمت متحدین قرار گیرد.»^{۲۲} که این گفته از معامله پنهانی یهودیان با نیروهای متحد بر سر منابع آبی سایر کشورها حکایت می کند.

۲- اردن که مایل به درگیری با اسرائیل نیست، اقدام به عقد قرارداد صلح سال ۱۹۹۴ با این رژیم کرده است که مطابق آن، اسرائیل ضمانت کرده سالیانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب به اردن - به ویژه از رود یرموک - برسد. در این خصوص نیز باید گفت که نشستهای مخفیانه شاه حسین و نتانیا هو در نهایت نتوانسته حداقل نیازهای آبی اردن را برآورده سازد. به گونه ای که در سه سال پایانی منتهی به سال ۱۹۹۷، سقف آب دریافتی اردن از محل قرارداد فوق الذکر به ۵۰ میلیون متر مکعب در سال رسیده که آن هم عموماً از رود یرموک نبوده است. با عنایت به مصرف سالیانه ۹۰۰ میلیون متر مکعب آب در اردن و پیش بینی اولیه سران این کشور برای تامین حدود ۲۳ درصد از آب مورد نیاز از محل مصالحه با اسرائیل، معلوم می شود که نتیجه این معامله، هرگز مثبت نبوده و در عمل، سود اصلی را اسرائیل برده است.^{۲۳}

۳- یاسر عرفات نیز طی نشست محرمانه ای با شیمون پرز، در نهایت موافقتنامه ای را در گذرگاه «ایرتز» در موضوع آب به امضا می رساند که به موجب آن ۶۰ درصد از آب قناتهای

موجود در کرانه باختری به رژیم صهیونیستی و بقیه به تشکیلات خودگردان تعلق می‌گیرد. موضوع قرارداد فوق، ۳۲۱ حلقه چاه آب بود که در مقام عمل، اجرای بخش مربوط به تشکیلات خودگردان با مشکلات زیادی مواجه می‌گردد.^{۲۴}

۴- سیاست خارجی اسرائیل در قبال ترکیه نیز به میزان زیادی از کاربرد همین روش برای نیل به منافع آبی اسرائیل حکایت می‌کند. مقوله آب و نقش ترکیه در آن، دارای اهمیت و حساسیت ویژه‌ای است؛ علت این امر نیز به موقعیت جغرافیایی این کشور باز می‌گردد که سرچشمه دو رود مهم دجله و فرات را در خود جای می‌دهد. بدیهی است که اجرای طرحهای توسعه در زمینه بهره‌وری از آب توسط ترکیه - همانند طرح «آناطول بزرگ» که آتاتورک عهده‌دار آن بود و احداث ۲۲ سد بزرگ را شامل می‌شد - می‌تواند تهدیدی برای بسیاری از کشورها و از آن جمله، رژیم صهیونیستی باشد. اسرائیل به خاطر جایگاه ویژه ترکیه و جلوگیری از لطمه دیدن منافع آبی خود، بسیار مایل است تا بیش از پیش به ترکیه نزدیک شود. متقابلاً ترکیه نیز به خاطر اختلافات تاریخی‌ای که با کشورهای چوچون سوریه و عراق دارد، از نزدیکی با اسرائیل به عنوان یک اهرم فشار در مقابله با مخالفانش سود می‌برد. از طرف دیگر، ملاحظات آبی در ترکیه به واسطه وجود سرچشمه دو رودخانه دجله و فرات در مناطق کردنشین این کشور، پیوند نزدیکی با مقوله اکراد و مسایل سیاسی آنها - به رهبری اوجالان - دارد. چنان که می‌دانیم کشورهای رقیب ترکیه در زمینه آب، حزب PKK را مورد تایید قرار می‌دهند و از این طریق مایلند تا ترکیه را به اعطای امتیازاتی وادار سازند. نتیجه آن که در یک ساختار پیچیده و متشکل از چند بازیگر اصلی - یعنی ترکیه، اسرائیل، عراق، سوریه، حزب PKK - اسرائیل سعی دارد با نزدیک شدن به ترکیه و کمک در حل مسئله کردها، به نحوی به سهم بیشتری از آب دست یابد. نزدیکی ترکیه و رژیم صهیونیستی به چند دلیل از جمله بهره‌وری رژیم صهیونیستی از منابع آبی ترکیه بصورت لوله کشی و یا ایجاد فشار بر سوریه است. رژیم صهیونیستی مرز مشترکی با ترکیه و یا منبع آبی مشترک ندارد. اگر ترکیه از مقدار آب مشترک با سوریه بیشتر بهره‌وری کند، سوریه می‌تواند بهانه‌ای برای دستیابی به آبهای مناطق دیگر از جمله یرموک داشته باشد. در مجموع رابطه آب بین اسرائیل و کردها و

رابطه مستقیم بین ترکیه و اسرائیل بدون حذف واسطه (سوریه) وجود ندارد و در هر توافق با سوریه که مسئله آب جولان و دریاچه طبریه مطرح باشد تأمین منابع آب مورد نیاز سوریه از طریق ترکیه انجام پذیر خواهد بود. روشی که به نظر می‌رسد تاکنون توفیق بسیاری داشته و تحولات اخیر در روابط ترکیه و اسرائیل، نمود بارز آن است.^{۲۵} علاوه بر این، اسرائیل آگاه است که اگر ترکیه بدون توجه به ملاحظات منطقه‌ای و نیازهای آبی همسایگان خود، اقدام به توسعه طرح‌های مربوط به بهره‌وری کامل از منابعی چون دجله و فرات بنماید، قطعاً اسرائیل نیز لطمه دیده، با بحرانی مواجه خواهد شد که می‌تواند ماهیت و هستی رژیم صهیونیستی را در مخاطره اندازد. بنابراین، معامله با ترکیه و نزدیکی به این کشور جزو اصول دیپلماتیک اسرائیل قرار دارد.^{۲۶}

۱۰۷

دامنه ملاحظات دیپلماتیک و تمایل به حل معضل آب از این طریق، تا بدان جاست که بعضی از دست‌اندرکاران و نویسندگان یهودی خواستار اجرای سیاست «آب در مقابل زمین» شده‌اند. به عبارت دیگر، پیشنهاد آن را داده‌اند که اسرائیل به قیمت وارد کردن آب از سوریه و یا حتی ترکیه در مقابل زمین کوتاه بیاید.^{۲۷}

البته چنین تاکیدی بر دیپلماسی، از سوی گروه‌های مختلف سیاسی، شدیداً مردود شناخته شده است و مآشاهد مخالفت آشکار «جنبش اسرائیل بزرگ» و یا مقامات رسمی‌ای چون رهبران جناح راست در اسرائیل هستیم که بر این باورند: «بنا به دلایل مذهبی، ملی، سیاسی و بالاخره امنیتی، اسرائیل نمی‌تواند یک اینچ از اراضی اشغالی را رها سازد».^{۲۸} این که چرا دیپلماسی در این حد نمی‌تواند مورد قبول باشد، به ماهیت زورمدارانه استراتژی کلان اسرائیل باز می‌گردد و این که آنها صلح را برای تأمین بهتر آب و نه آب را برای نیل به صلح، می‌خواهند: «این ایده [زمین در مقابل آب] نه به صلح، بلکه به جنگ منجر می‌گردد، چرا که ... آب نمی‌تواند یکی از نتایج صلح باشد، بلکه وسیله نیل به صلح است».^{۲۹}

به همین دلیل، روند سازش یا اجرای اصل دیپلماسی، چون به نقطه «ضرورت واگذاری اراضی اشغالی» می‌رسد، از سوی رژیم اشغالگر، مردود شمرده شده، ابزار «جنگ» اولویت می‌یابد. توقف مذاکرات صلح بین سوریه و اسرائیل نیز اساساً به خاطر اهمیت بیش از حد

جولان^{۲۰} برای اسرائیل و عدم تمایل به عقب نشینی از این منطقه آبخیز به نفع سوریه، است که حکایت از صحت مدعای فوق دارد.

در مجموع، رژیم صهیونیستی در کنار ابزارهای زورمدارانه از روشهای دیپلماتیک به عنوان مکملی جهت نیل به اهداف اولیه اش بهره می جوید. با این حال، حد دیپلماسی آن است که به واگذاری اراضی اشغالی به طرف مقابل، منتهی نشود؛ که در این صورت، جنگ برای صیانت از اراضی اشغالی و دستیابی به منافع آبی بیشتر، اولویت خواهد داشت.

۳- رکن حمایتی

در کنار دورکن نظامی و دیپلماتیک، سران رژیم صهیونیستی از حمایتهای خارجی به نحو موثری در راستای تامین منافع آبی خود بهره برده اند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ۳- حمایتهای حقوقی

اسرائیل برای مشروعیت بخشیدن به دست اندازیهای خود، به میزان زیادی متکی به اصول حقوقی ای بوده است که توسط قدرتهای حامی این رژیم وضع و منعقد شده اند. به عنوان مثال، می توان به پیمانهای روتنبرگ، لوذرمیلک و جونستون اشاره کرد:

● پیمان روتنبرگ (۱۹۲۰) اگر چه با هدف تولید الکتریسیته منعقد گردید، لیکن با حمایت موثر بریتانیا توانست جاپای مناسبی را برای اسرائیل در دو حوزه آبی «یرموک» و «رودارن» به وجود آورد.^{۳۱}

● پیمان هایس لوذرمیلک آمریکایی (۱۹۳۸) اساساً به سفارش اسرائیل و مبتنی بر تحقیقات و پیشنهاد لوذرمیلک منعقد شده که در نهایت، حربه ای می شود در دست آژانس یهود تا بتواند طرح انتقال آب از مناطق آب خیز به اسرائیل را تایید و تقویت نماید.^{۳۲}

● پیمان جونستون (۱۹۵۳) نیز در راستای سیاست حمایت آمریکا از اسرائیل در منطقه و با حضور مستقیم آمریکا منعقد گردید که در نهایت، به افزایش سهم آبی اسرائیل

۲-۳- حمایت‌های تبلیغی

این ادعا که اسرائیل سعی دارد با بهره‌وری از آبهای بی‌مصرف منطقه، به رفع نیازهای خود همت گمارد، از جمله دعاوی است که کراراً از سوی سران رژیم صهیونیستی بیان شده است. شیمون پرز در گفتگویی با «لوموند» به سال ۱۹۶۷ چنین اظهار داشته است:

«در حالی که ما بیشترین نیاز را به آب داریم، نمی‌توانیم شاهد باشیم که آبهای لیتانی به دریا ریخته و هدر بروند. کانال‌های مجهز اسرائیل برای استقبال از این آبها آماده‌اند.»^{۳۴}

همو خطاب به سربازان اسرائیل می‌گوید:

«شما این جا از تشنگی رنج می‌برید، در حالی که در نزدیک مرزهای شمالی، آبهای لیتانی به داخل دریا ریخته شده، هدر می‌رود.»^{۳۵}

حمایت از این ادعا و تبلیغ آن، از جمله کمک‌های موثر نویسندگان و تحلیلگران غربی در توجیه افکار عمومی برای سیاست‌های فزون‌طلبانه اسرائیل بوده است.^{۳۶} بدون شک، پذیرش عمومی طرح انتقال آب، ریشه در همین حمایت‌های دارد و اجرای طرح‌های کلاب (۱۹۴۹)، مک‌دونالد (۱۹۵۰) و پروژه‌های «نیجر»، «باکر-هرزا»، «کوتون»، «جانسون» و ... را باید ثمره عینی همین تلاش‌ها دانست.^{۳۷} حتی اقدام‌های تجاوزکارانه‌ای چون «ایجاد انحراف در مسیر طبیعی رودخانه‌ها»- همانند اقدامات مخفی اسرائیل در موضوع رود اردن به سال ۱۹۶۴- به واسطه همین توجیهات است که حساسیت‌های منفی لازم را بر ضد اسرائیل در پی نداشته است. به عبارت دیگر، «دزدی آب» اسرائیل از این محل توجیه گردیده و از قبح آن کاسته شده است.^{۳۸}

۳-۳- حمایت‌های علمی

با در نظر گرفتن موقعیت طبیعی فلسطین، بدیهی است که حل کامل مشکل کم‌آبی برای یهودیان با تمسک به روش‌های پیشین، میسر نیست. بنابراین، لازم می‌آید تا این موضوع،

مورد تامل علمی دقیق قرار گیرد. این امر، گذشته از هزینه مالی، نیازمند نیروهای انسانی متخصص و کارآمد و همچنین تجهیزات آزمایشگاهی پیشرفته‌ای است که همه آنها در قالب حمایت‌های علمی برای رژیم صهیونیستی فراهم آمده است. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به پروژه موسوم به HMEWP (پروژه هاروارد برای حل معضل آب در خاورمیانه) به سال ۱۹۹۲ اشاره کرد. این طرح، توسط جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه هاروارد و «موسسه فن آوری ماساچوست» به ریاست پرفسور «فرانکلین فیشر» و تحت نظارت «مرکز سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی برای خاورمیانه» وابسته به «مدرسه جان. اف. کندی» به اجرا گذارده شده است. هدف اصلی این گروه علمی که تعدادی از محققان اسرائیلی، فلسطینی و اردنی نیز در آن حضور داشتند، ارائه راه حلی بنیادین برای مشکل آب بود. در این طرح از آب به مثابه کالایی استراتژیک و با ارزشی بیش از آنچه در بازار جهانی معامله می‌شود، یاد شده و تلاش شده تا سال ۲۰۲۰ راه حلی اساسی برای این مشکل ارائه گردد. بحث از هزینه‌های احتمالی برای اجرای سیاست‌های آبی مختلف، یکی از محورهای اصلی این طرح را تشکیل می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های بعدی رژیم صهیونیستی در زمینه آب، بسیار تاثیر داشته است.^{۳۹} به علاوه، نیروهای فکری و متخصص غربی، نقش چشمگیری در پروژه‌های ملی اسرائیل ایفا نموده‌اند که در مجموع توانسته میزان خطای طرح‌ها را کاهش داده، اسرائیل را در تایید سیاست‌گذاری‌های آبی اش یاری رسانند. در مجموع می‌توان چنین ادعا کرد که اقبال مراکز علمی اسرائیل به اجرای پروژه‌هایی از این دست - همچون پروژه کلان دانشگاه تل آویو در موضوع طراحی استراتژی آبی اسرائیل - پیوسته متکی به حمایت‌های علمی سایر مراکز پژوهشی در خارج بوده است.^{۴۰} خلاصه آن که حمایت علمی قدرتهای بزرگ از اسرائیل، به تقویت مبانی علمی سیاست‌های آبی اسرائیل و توفیق نسبی آن در مقابله با کشورهای عربی منجر گردیده، لذا به نظر می‌رسد که سایر کشورهای منطقه نیز باید هر چه سریع‌تر به طراحی سیاستی منسجم و مبتنی بر یافته‌های پژوهشی در زمینه آب اقدام نمایند و از موضع‌گیری‌های مقطعی و روزمره فاصله گیرند تا این که بتوانند در معادلات آبی، جایگاه مناسب و موثری بیابند.

نتیجه گیری

از جمله واقعیت‌های مربوط به آب در منطقه، استراتژیک بودن این کالای پر اهمیت است که در سال‌های واپسین قرن بیستم برای اکثر کشورها آشکار شده است. این واقعیت، در نیمه اول قرن بیست و یکم، قطعاً خودش را بر تمامی کشورها تحمیل خواهد کرد و انسان عصر حاضر خواهد فهمید که دیگر «آب» کالایی پیش پا افتاده نیست که بتوان هر چیز ساده‌ای را به آن تشبیه نمود. به عبارت دیگر، «آب خوردن» نیازمند تاملات و تمهیدات بسیاری است که اگر اندیشیده نشود، برای بسیاری از ساکنان زمین فراهم نشده و بحران آبی حتماً رخ خواهد نمود. از جمله واقعیت‌هایی که هر پژوهشگری در مقام تحلیل «بنیان‌های اولیه» رژیم صهیونیستی به آن می‌رسد، وجود یک تلقی استراتژیک از آب نزد بنیان اسراییل و قدرتهای حامی آن است. به همین دلیل، از زمان شروع فرآیند غصب اراضی فلسطینی‌ها تا تاسیس دولت اسراییل، آب همیشه مد نظر بود و برای تحصیل آن هزینه می‌شده است. فقدان یک استراتژی آبی مشخص نزد سایر کشورهای منطقه، عامل ضعف بزرگی بوده که اسراییل حداکثر بهره برداری را از آن نموده است.

استراتژی آبی اسراییل در مجموع، بر سه رکن نظامی، دیپلماتیک و حمایتی مبتنی است که در نهایت به تامین حداکثر نفع برای اسراییل منجر می‌شود. (نگاه کنید به جدول شماره ۱) با تامل در ابعاد مختلف این استراتژی، معلوم می‌شود که سه رکن مزبور به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا بتوانند مکمل یکدیگر باشند. ضمناً توجه به کلیه قابلیت‌های رژیم و استفاده از آنها در مسیری واحد، نکته مثبت دیگری است که در این استراتژی به چشم می‌خورد. مجموع این ملاحظات، دو نکته مهم را برای جبهه مقابل اسراییل به اثبات می‌رساند:

اول آن که: اسراییل در موضوع آب، طرحی کلان دارد که حیات این رژیم را در سال‌های آینده تضمین می‌نماید. به عبارت دیگر، اسراییل امید زیادی دارد که بتواند از بحرانهای ناشی از کمبود آب در منطقه به سلامت بیرون بیاید.^{۴۱} دوم آن که: در صورت استمرار وضعیت فعلی - یعنی برخورد مقطعی کشورهای عربی با موضوع آب - قطعاً اسراییل در معادلات قدرت از رقبای خود وضعیت بهتری داشته و می‌تواند تهدیدی برای کشورهای به ظاهر امن امروزی

به حساب آید.^{۴۲} بنابراین، زمان آن رسیده که کشورهای اسلامی ضمن دقت در استراتژیهای موجود، برای مسایل، راه حل‌های بنیادین و استراتژیک-نه مقطعی و ساده‌انگارانه-طراحی نمایند و آب را به مثابه کالایی «با ارزش» در محاسبات داخلی و خارجی خود وارد نمایند. کالایی که صرفاً کشورهای منطقه در تعیین تکلیف آن مسئول نیستند، بلکه قدرتهای خارجی نیز بسیار مایل هستند تا به منظور منافع خود، به نحوی در آن تاثیر گذار باشند.^{۴۳}



جدول شماره (۱)

ارکان استراتژی آبی اسرائیل

ردیف	رکن	ابعاد	شاهد مثال
۱	نظامی	جنگ و تجاوز	پروژه ملی انتقال آب، حوادث ۱۱ ژوئن ۱۹۶۴، جنگهای شش روزه ۱۹۶۷، منازعات مربوط به بلندیهای جولان و...
		تهدید	تخریب سدها و تاسیسات فنی کشورهای عربی، تهدید به جلوگیری از اعطای وامهای سازندگی و...
۲	دیپلماتیک	سازش	تاکید بیش از حد بر روی روند صلح و مذاکره با اعراب
		معامله	توافقات به عمل آمده با اردن، دولت خودگردان، ترکیه و ...
۳	حمایتی	حقوقی	پیمانهای روتنبرگ، لوذرملک، جونستون
		تبلیغی	ترویج اصل «ضرورت بهره‌وری صحیح از آبهای در حال اتلاف»
		علمی	پروژه‌های هاروارد، تل آویو و ...

1. See: J. Isaac & H. Shuval (Eds), *Water & Peace in the Middle East*, New York, Amsterdam, 1994.
2. Hillel I. Shuval, "Water and Security in the Middle East: The Israeli-Syrian Water Confrontations as a Case Study", Lenore G. Martin (edi), *New Frontiers in Middle East Security*, MacMillan, 1998, p.185.
- ۳- خاورمیانه جدید، پیشین ص ۱۷۱. همچنین نگاه کنید به اثر زیر که بعد استراتژیک آب را در سیاستگذاری دولت اسرائیل به خوبی تبیین نموده است:
- Uri Shamir & J. Bear & N. Arab, *Water Policy For Israel*, Haifa: The Technion, 1985.
- ۴- نک: سعیده لطفیان، «سیاست امنیت ملی اسرائیل: فرضیه‌ها و تحلیلها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۶، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، صص ۹۸-۳۷.
- ۵- Israel National Water Carrier این پروژه، آب رود اردن را به جنوب هدایت می‌کرد و در خدمت کشاورزی و صنعت اسرائیل قرار می‌داد و بدین ترتیب، منافع آب سوریه را در مخاطره می‌افکند.
6. See: Madawi Al-Rasheed, "Political Legitimacy and the Production of History: The Case Study of Saudi Arabia", *New Frontiers in Middle East Security*, op, cit, pp. 20-4.
- ۷- در این باره نک: غلامحسین نهازی، «بحران آب در خاورمیانه» (قسمت اول و دوم)، پیشین. همچنین:
- Richard Sexton, *Perspectives on The Middle East Water Crisis: Analyzing Water Scarcity Problem in Jordan & Israel*, London: Overseas Development Institute, 1990.
- ۸- موجودیت اسرائیل، پیشین، ص ۹.
- ۹- سلیم الحص، «مطامع رژیم صهیونیستی نسبت به منابع آب لبنان»، اطلاعات، مورخه ۲/۳، ۱۳۷۲، ص ۱۲.
10. *Water in The Arab World*, op. cit, pp. 42 - 4 .
11. Ibid. p. 137.
- ۱۲- جویس استار، «بحران آب، زمینه‌ساز درگیریهای آینده در خاورمیانه»، اطباطیابی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۵۶، ۵۵، صص ۵-۴۳.
- ۱۳- «مطامع رژیم صهیونیستی نسبت به منابع آب لبنان»، پیشین.
14. *Water in The Arab World*, op. cit, p. 199.
- ۱۵- المیاه العربی، پیشین، صص ۹۶-۸۲.
- ۱۶- در این باره نک:
- F.W. Montinari & et.al (Eds), *Resource Mobilization For Drinking Water and Sanitation in Developing Countries*, New York: American Society of Civil Engineers (ASCE), 1987.
- ۱۷- نک: غلامحسین نهازی «بحران آب در خاورمیانه» (قسمت اول و دوم)، پیشین.
- ۱۸- نجیب عیسی، «توسعه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱، ش ۱، (تابستان ۱۳۷۳)، ص ۴۹.
19. "Water and Security in the Middle East", op.cit., p.211.

20. Ibid.

۲۱- المیاء العربی، پیشین، ص ۲۰.

۲۲- موجودیت اسرائیل، پیشین، ص ۱۵.

23. *Water Resources*, op. cit, pp. 189 - 197. Also:

- *Perspectives an The Middle East Water Crisis*, op. cit.

24. Ibid.

۲۵- در این باره نک:

- توسعه خاورمیانه، پیشین.

- بحران آب در خاورمیانه، پیشین.

۲۶- بحران آب در خاورمیانه، پیشین.

۱۱۵

27. *Water in the Arab World*, op. cit., P. 60.

28. "Water and Security in the Middle East", op.cit., p.203.

29. *Water in the Arab World*, op. cit., P. 60.

۳۰- بلندبیهای جولان ۱۸۶۰ کیلومتر مربع است، یعنی ۱ درصد از کل مساحت سوریه که ۱۲۰۰ کیلومتر مربع آن به اشغال اسرائیل درآمده است. با این حال، تصرف مناطق مهمی چون جبل الشیخ (حرمون) که در طی سال برف دارد و بزرگترین مخزن آب در مشرق عربی به حساب می آید، به این منطقه اهمیتی دو چندان بخشیده است. بنابراین، اعراب با این باور که «جبل الشیخ، پدر آبهای فلسطین است»، تصرف آن را از سوی اسرائیل، ضایعه ای بزرگ می دانند. عده ای نیز آن را کلید تحولات آینده فلسطین می دانند و اسرائیل نیز به خاطر همین ملاحظات است که حاضر به مصالحه بر سر «جولان مفید» (به اصطلاح خودشان) نمی شود. (نک: خاورمیانه جدید، پیشین).

31. H - i.

۳۲- نک: المیاء العربی، پیشین (بخش مربوط به پیمانها و قرار دادها)

۳۳- نک: نبیل السمان، حزب المیاء من الفرات الی النيل، القاهره، بی تا.

۳۴- نک: المیاء العربی، پیشین. همچنین نک:

- Ludwik Teclaff, *The River Basin in History and Law*, The Hague:1967.

۳۵- موجودیت اسرائیل، پیشین، ص ۱۶.

۳۶- همانجا، ص ۱۷.

۳۷- خاورمیانه جدید، پیشین، ص ۱۷۹.

۳۸- موجودیت اسرائیل، پیشین، ص ۱۵.

۳۹- نک: آب، امنیت و خاورمیانه: گزارشی از موسسه مطالعات استراتژیک لندن، ترجمه: پیروز ایزدی، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲، ص ۴۴.

- سید اصغر کیوان حسینی، «استراتژی توسعه منابع آبی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مصباح، سال ۵، ش ۱۷، صص ۱۳۴-۵.

- موجودیت اسرائیل، پیشین، ص ۲۴۶.

40. "Water and Security in the Middle East", op.cit., pp.198-9.

41. See: Ibid. pp. 201 - 2.

۴۲- توجه داشته باشیم که بحران آب، از جمله بحرانهایی است که در آینده بر روی میزان مشروعیت نظامها تأثیر گذاشته و بی ثباتیهای را در منطقه ایجاد می کند. نک :

- Natasha Beschoner, *Water and Instability in the Middle East*, Adelphi Paper No. 273, London: Brassey's, 1992.

۴۳- کشورهایمانند عربستان سعودی با توجه به شرایط تازه حاکم در منطقه و وضعیت تامین آب باید نسبت به این موضوع حساس باشند. نک:

- M.N. Authman, *Water and Development Process in Saudia Arabia*, Jeddah: Tihama Press, 1983.

۴۴- از جمله آثار قابل توجه که با این رویکرد تحریر شده، نک:

- Joyce Starr & Daniel C.S. Stoll, *U.S. Foreign Policy on Water Resources in the Middle East*, Washington D.C. : The Center for Strategic & International Studies, 1987.

۱۱۶

